



دکتر علی شریعتی

پژوهشگر مبارز

علی شریعتی مزینانی، مشهور به دکتر علی شریعتی (زاده ۲ آذر ۱۳۱۲ در روستای کاهک، سبزوار - درگذشته ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ در ساوت همپتون، انگلیس) نویسنده و جامعه‌شناس، پژوهشگر دینی اهل ایران، از مبارزان و فعالان مذهبی و سیاسی و از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی ایران بود.

پدر پدربزرگش، ملا قربانعلی معروف به آخوند حکیم، مردی فیلسوف و فقیه بود که در مدارس قدیم بخارا، مشهد و سبزوار تحصیل کرده و از شاگردان برگزیده حاج ملا هادی سبزواری محسوب می‌شد. ملا قربانعلی چهار فرزند به نام‌های محمود، احمد، حسن و حسین داشت. محمود که به‌هنگام مرگ پدر به تحصیل علوم قدیمه مشغول بود، با اصرار مردم مزینان به آن‌جا آمد تا پیش‌نماز مسجد و مدرس حوزه علمیه باشد. او تا پایان عمر خود در مزینان ماند و چهار فرزند به نام‌های معصومه، قربانعلی، محمدتقی و آقامیرزا محمد از خود به‌جا گذاشت. محمدتقی شریعتی در سال ۱۳۱۱ با دختری روستایی از اهالی کاهک به نام زهرا امینی ازدواج کرد و اولین فرزند آن‌ها، علی شریعتی بود. دکتر علی شریعتی در سال 1312 در روستای مزینان از حوالی شهرستان سبزوار متولد شد. شریعتی تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان ابن یمین در مشهد در سال ۱۳۱۹ آغاز کرد اما به دلیل بحرانی‌شدن اوضاع کشور در سال ۱۳۲۰، محمدتقی شریعتی مجبور شد خانواده‌اش را به ده بفرستد



و بنابراین وقفه کوتاهی در تحصیلات شریعتی ایجاد شد. پس از آن، شریعتی به همان دبستان برگشت و تحصیل را ادامه داد.

از دبیرستان فردوسی تا آغاز فعالیت سیاسی

در این دوران محمدتقی شریعتی پدر شریعتی به همراه عده‌ای قابل توجه از فرهیختگان متدین مشهد با ایجاد کانون نشر حقایق اسلامی در سال ۱۳۲۳، مبارزه با انحراف و تحریف را آغاز کرده و هم‌زمان تلاش کردند تا افکار و اندیشه‌های دینی را هم بازسازی کنند. هنگام آغاز فعالیت کانون شریعتی یازده ساله بود و در پانزده سالگی او، کانون به یک نهاد مهم نوگرای مذهبی تبدیل شده بود. از ۱۳۲۶ هنگامی که شریعتی ۱۴ ساله بود تا نخستین بار بسته شدن کانون در ۱۳۳۸، او در همه برنامه‌های آن شرکت می‌کرد و نقش بنیادینی در جذب برخی از دوستانش به کانون داشت. در ۱۳۳۰ اعضای جوان کانون که بیشترشان دانش‌آموزان دبیرستان بودند با پیروی از نمونه کانون تصمیم به برپایی سازمانی ویژه خود با عنوان انجمن اسلامی دانش‌آموزان در مشهد کردند. شریعتی در سال ۱۳۲۵ وارد دبیرستان فردوسی مشهد شد. او پس از اتمام سیکل اول دبیرستان در ۱۶ سالگی، با هدف ادامه تحصیل وارد دانشسرای مقدماتی شد. در سال 31، اولین بازداشت علی که در واقع نخستین رویارویی مستقیمش با حکومت و طرفداری همه جانبه او از حکومت ملی بود، واقع شد. در همین زمان یعنی 1331 علی شریعتی که در سال آخر دانشسرا بود به پیشنهاد پدرش شروع به ترجمه کتاب ابوذر (نوشته

عبدالحمید جوده السحار) می‌کند. در اواسط سال 1331 تحصیلات علی شریعتی در دانشسرا تمام شد و پس از مدتی شروع به تدریس در مدرسه کاتب پور احمدآباد کرد. و همزمان به فعالیتهای سیاسییش ادامه داد. شریعتی در سال ۱۳۳۴ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد وارد شد و رشته زبان و ادبیات فارسی را برگزید. شریعتی در طول دوران تحصیل در دانشکده ادبیات آثار دیگری مانند ترجمه نیایش اثر الکسیس کارل و یک رشته مقاله‌های تحقیقی در این زمینه را نیز منتشر کرد.

تحصیل در فرانسه و آزادیخواهی

دکتر شریعتی در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۳۷ با پوران شریعت‌رضوی همکلاسی‌اش ازدواج کرد. شریعتی تحصیلات دانشگاهی خود را در مشهد گذراند و پس از دریافت لیسانس در رشته ادبیات فارسی به علت شاگرد اول شدنش برای ادامه تحصیل به فرانسه فرستاده شد تا تحصیلات عالی خود را در مقطع دکتری در دانشگاه سوربن فرانسه و در رشته ادبیات ادامه دهد. وی در آنجا به تحصیل علمی چون جامعه‌شناسی، مبانی علم تاریخ، تاریخ ادیان، تاریخ و فرهنگ اسلامی پرداخت و با استادان بزرگی چون لویی ماسینیون، ژرژ گوروچ، سارتر و... آشنا شد. در طول دوران تحصیل در اروپا علاوه بر نهضت آزادیبخش الجزایر با دیگر نهضت‌های ملی افریقا و آسیا، آشنایی پیدا کرد و به دنبال افشای شهادت پاتریس لومومبا در 1961 تظاهرات وسیعی از سوی سیاهپوستان در مقابل سفارت بلژیک در پاریس سازمان یافته بود که منجر به حمله پلیس و دستگیری عده زیادی از جمله دکتر علی

شریعتی شد. علی شریعتی در سال 1963 با درجه دکتری یونیورسیتة فارغ التحصیل شد و پس از مدتی او به همراه خانواده و سه فرزندش به ایران بازگشت و در مرز بازرگان توسط مأموران ساواک دستگیر شد. حکم دستگیری او از سوی ساواک بود و متعلق به دو سال پیش یعنی در هنگام خروج از ایران که به همان دلیل معلق مانده بود و در عین حال لازم الاجرا بود. بعد از بازداشت به زندان قزل قلعه در تهران منتقل شد.

تدریس و زندان

اوایل شهریور همان سال بعد از آزادی به مشهد برگشت. در سال ۱۳۴۴ مدتی پس از بی‌کاری، اداره فرهنگ مشهد او را به عنوان دبیر انشاء کلاس چهارم دبستان در یکی از روستاهای مشهد استخدام می‌کند و سپس در دبیرستان به تدریس می‌پردازد و بالاخره به عنوان استادیار تاریخ وارد دانشگاه مشهد می‌شود. موضوعات اساسی تدریس دکتر علی شریعتی را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد: تاریخ ایران، تاریخ و تمدن اسلامی و تاریخ تمدنهای غیر اسلامی. از همان آغاز روش تدریس، برخوردش با مقررات متداول در دانشکده و رفتارش با دانشجویان، او را از دیگر استادان متمایز می‌کرد. چاپ کتاب اسلام شناسی و موفقیت درسهای دکتر علی شریعتی در دانشکده مشهد و ایراد سخنرانیهای او در حسینیه ارشاد در تهران موجب شد که دانشکده های دیگر ایران از او تقاضای سخنرانی کنند این سخنرانی ها از نیمه دوم سال 1347 آغاز شد. مجموعه این فعالیتها



مسئولین دانشگاه را بر آن داشت که ارتباط دکتر علی شریعتی با دانشجویان را قطع کنند و به کلاس‌های او که در واقع به جلسات سیاسی - فرهنگی بیشتر شباهت داشت، خاتمه دهند.

زندگی مخفیانه و مهاجرت

در سال ۱۳۴۸ به حسینیه ارشاد دعوت می‌شود و به زودی مسئولیت امور فرهنگی حسینیه را بر عهده گرفته و به تدریس جامعه‌شناسی مذهبی، تاریخ شیعه و معارف اسلامی می‌پردازد. اما سرانجام در سال ۱۳۵۲، رژیم شاه، حسینیه ارشاد را تعطیل نمود و شریعتی را به مدت ۱۸ ماه روانه زندان کمیته شهربانی می‌کند. وی پس از آزادی از زندان روزهای بسیار سختی را پشت سر گذاشت و بارها توسط مأموران ساواک تهدید شد و تحت شکنجه روحی و جسمی قرار گرفت. در پی این کشمکشها و دستور شفاهی ساواک به دانشگاه مشهد کلاس‌های درس او، از مهرماه ۱۳۵۰، رسماً تعطیل شد. از اواخر آبان ماه ۵۱ بخاطر سخنرانی‌های ضد رژیم، زندگی مخفی اش آغاز شد. ساواک به دنبال او بود و از تعطیلی حسینیه ارشاد به بعد، متن سخنرانی‌های شریعتی با اسم مستعار به چاپ می‌رسید. در تیر ماه ۱۳۵۲، ساواک پدر علی شریعتی و بعد برادرزن او را بازداشت کرد و به زندان اوین برد تا شریعتی به ناچار خود را معرفی کند. شریعتی پس از چند ماه زندگی مخفی در مهرماه سال ۱۳۵۲ خود را به ساواک معرفی کرد که تا ۱۸ ماه او را در سلول انفرادی زندانی کردند؛ که نهایتاً در اواخر

اسفند ماه سال 53 او از زندان آزاد می‌شود. زیرا شاه به دلیل فشارهای بین‌المللی و درخواست وزیر فرهنگ الجزایر دریافت که نگاه‌داشتن شریعتی در زندان بیش از آزادی او می‌تواند به شهرت و محبوبیت او بیفزاید.

پایان مبارزه و مرگ در غربت

اسارت درازمدت در سلول، او را سخت به نور آفتاب حساس کرده بود و از نظر روحی هم بسیار افسرده شده بود. حکومت شاه همه راه‌های مبارزه اجتماعی را بر او بسته بود، حسینیه ارشاد تعطیل و او از تدریس در دانشگاه محروم شده بود. مبارزه مخفی هم عملاً امکان نداشت. ساواک او را تحت نظر داشت و روز به روز حلقه این محدودیت‌ها تنگ‌تر می‌شد. بدین ترتیب مهمترین فصل زندگی اجتماعی و سیاسی او خاتمه می‌یابد. شریعتی خود می‌گوید: «ظاهراً آزاد هستم و از قید اسارت به اصطلاح رهایی یافته‌ام ولی آنچه مسلم است نوع زندانم تغییر کرده و از زندان دولتی به زندان خانه منتقل شده‌ام». شریعتی پس از دو سال، خسته از وضعیتش تصمیم به مهاجرت می‌گیرد. ممنوع‌الخروج بودن مانع بزرگی برای مهاجرت او به خارج از کشور بود. اما او با گرفتن گذرنامه با اسم فامیلی «مزینانی» توانست از کشور خارج شده و تهران را به مقصد بروکسل ترک کند. شریعتی پس از چند روز اقامت در بروکسل آنجا را به مقصد ساوت‌همپتون انگلیس ترک می‌کند و در آنجا درمی‌گذرد. او طی مهاجرتش در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ در حالی که سه هفته از سفرش به انگلستان می‌گذشت، در ساوت‌همپتون درگذشت. دلیل رسمی مرگ وی انسداد شرایین و نرسیدن خون به قلب اعلام شد؛ هرچند مرگ وی توسط



برخی به دلیل نداشتن سابقه بیماری قلبی، عدم کالبدشکافی، اعلام نتیجه سریع و خبر داشتن سفارت ایران در لندن از مرگ وی قبل از اعلام رسمی خبر مشکوک دانسته شد. امام موسی صدر بر پیکر علی شریعتی نماز میت خواند. در این ابراهیم یزدی و صادق قطب‌زاده نیز حضور داشتند. شریعتی وصیت کرده بود که او را در حسینیه ارشاد دفن کنند اما با مشورت استاد محمد تقی شریعتی و کمک دوستان و یاران او از جمله شهید دکتر چمران و امام موسی صدر در جوار حرم مطهر حضرت زینب (س) در سوریه به خاک سپرده شد.

شریعتی آثار عمده‌ای در زمینه اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی دارد. اکثر کتاب‌های شریعتی جمع‌آوری سخنرانی‌های تحریر یافته او در حسینیه ارشاد، دانشگاه‌ها، یا مجموعه‌ای از مقالات و نوشته‌های پراکنده او هستند که توسط مرکز نشر آثار دکتر شریعتی به صورت مجموعه آثار در سی و شش جلد پس از مرگ او به چاپ رسیده‌است.

منابع:

ویکی شیعه

ویکی فقه

و سایت دکتر علی شریعتی

